

شیرازه

یادداشتی بر مجموعه‌داستان «نورگون»

بَنَشی‌ها بر سر سر خدارها

حمیددشتی

آنچه مجموعه‌داستان «نورگون» را در ادبیات داستانی معاصر ایران متفاوت می‌کند، تنها برقراری نسبت مناسبی بین کلمات، اتمسفر بومی اثر و تصویرهای پرجزنیات روایی نیست. از دیرباز شعرا و نویسندگان بزرگ بریتانیایی به استفاده بجا و مناسب از روایت شهرت داشته‌اند. نویسندگان انگشت‌شماری هم در ادبیات ایران هستند که توجهی پژوهشی-ادبی به ریشه‌های فرهنگی و زیست‌بوم هر منطقه و نسبت آنها با ادبیات غنایی داشته‌اند. نمونه بارز استفاده بجا از جغرافیا و افسانه‌ها، در پیشپرد روایت، نویسنده‌های قرن بیستمی ایرلندی‌اند که از دل طبیعت بکر و افسانه‌های بومی، داستان‌هایی تازه با اتمسفری منحصربه‌فرد می‌آفرینند. «نورگون» روح بی‌قرار و خیال‌پرداز حکایت‌های خفته و کمتر شنیده‌شده شمال را بیدار می‌کند. داستان‌های این مجموعه سوسوزنان توأمان روایت‌های مستقل و منسجمی را در مسیری نشانه‌گذاری‌شده ارائه می‌دهند و به مکاشفه‌ای میان غیبت و جادو می‌پردازند که گویی رؤیاهای درهم‌بافته یکدیگردن و ارجاعات شخصی، تاریخی و جغرافیایی به واقعیتی زنده تبدیل می‌شوند. کت‌های آویزان خالی از تن در «پنج‌تن»، بازتاب داغ ننه می‌شود که یادآور عکس کت سوخته کتاب «غیبت» اثر دیوید هرون‌است. داستان «نورگون» بیشتر از آنکه شرح تلاش کارگر عاشقی، فریدون، در میان دیوارهای زغالی تونل‌های تپیده در پیچ‌وتاب مسیرهای جنگلی باشد، معطوف به متعادل‌کردن توفنگی‌ها و بیرون‌زدگی‌های زندگی اوست تا در برابر فشار کار و جامعه نه سر خم کند، نه کمر، بنجی‌نان‌خوران در مراسم نورگون در میان شعله و لهله، به خاک افتادن ضحاک در برابر فریدون را جشن می‌گیرند. اما ماجرای آوار تونل سوادکوه بر سر شصت کارگر مازنی، خیال و واقعیتی درهم‌تنیده، خراب می‌شود بر ذهن و جان فریدون. قدرت و شفافیت خارق‌العاده نثر بهاره جحتی تضمین می‌کند که مجموعه‌داستان «نورگون» برخلاف آثار هم‌دوره‌اش، در تله یک بازی فرامتی نیفتاده است، بلکه قدرت انتقال داستان‌ها به شکلی معتدل در راستای خیال مخاطب جاری می‌شود. از همین‌روست که کوک‌های پشت پرده به‌راحتی به چشم نمی‌خورند. شخصیت‌هایی که به طور شهودی به رویدادهایی که فراتر از دسترس آنهاست، اهمیت می‌دهند، جهان‌های مختلفی که گاهی اوقات در پیگرد یکدیگر ادغام می‌شوند، چراکه روایت در آستانه بین واقعیت و خیال می‌رقصد. دارنسا در بی‌برگی سُرخ‌دارها، در سرخ‌گری، چشم‌انظار ماه‌دیوا، در احاطه دنیایی قرار می‌گیرد که خودش را بزرگ می‌کند تا جنس بچل به آدم‌ها بیندازد و در این‌همه تنهایی که با خیالی م‌ه‌گرفته آمیخته، چلیده شده است. در راه جهنم با نیت‌های خیر سنگ‌فرش شده، دوران گذار زندگی مردمان وطن‌آبادی را در سه پرده می‌خوانیم که در ظاهر کشمکش‌ی است میان سنت و مدرنیته، اما در عمل تقابل خیال آدمی از جهل و اندیشه است. اندیشه‌ای که قرار است توفیق اجباری هر تغییر،تحمیل اجتماعی باشد. تغییرهایی که به‌ظاهر حاصل تصمیم‌های کلان ریش‌سفیدان خرمند در جهت ارج‌نهمان به زندگی آرمانی است، اما در عمل تکلیوی شوریده‌حال نسل تازه روشنفکر خیال هم تکرار بدعت گذشتگان می‌شود. سینما که قرار بود نماد ترقی و فرهنگ بشود، در عمل می‌شود بهانه قیاد که «بر خلاف پدر و مادرش به بازی‌ها اعتقاد داشت، نه آرم‌ها». اهمیت مکان، عزیمت‌ها و بازگشت‌ها، و سفرهای دور درونی شخصیت‌ها، در تمام داستان‌های مجموعه مشهود است. بسیاری از آثار ادبی بلندپروازانه میل به یافتن نوعی درجه به آن مکان آرمانی دیگر دارند. از زاویه‌ای دیگر، آیا کارگرد همه داستان‌ها زنده‌کردن آنچه در مفهوم مردن نهفته است، نیست؟ نثر و فضاسازی جحتی شانه‌به‌شانه ادبیات روستایی نویسندگان متأخر ایرلندی حرکت می‌کند. جایی که مضامین آشکار و پنهان داستان‌ها یا بازگشایدها و گاهی اسطوره ترکیب می‌شوند. شبیه آثار مقدّم جان میلینگتون سینگ که شامل داستان‌هایی است که در مناطق روستایی اتفاق می‌افتند و به‌ظاهر بر زندگی، تجربیات و مناظر کسانِی که در حومه شهر زندگی می‌کنند، تمرکز دارد. این ادبیات می‌تواند مضامین جامعه، طبیعت، سنت و تأثیر مدرنیزاسیون و تغییرات اجتماعی و زیست‌محیطی بر زندگی روستایی را بررسی کند. گویی نویسنده به جای نوشتن از آنچه به خاطر می‌آوریم، می‌خواهد درباره آنچه از دست رفته، یا ایده‌ای بر نقد مجربودگی و گزتاب‌بودن خارطه و وقایع پس از واقعه، بنویسد. «آبشار پری‌دا» شرح رخداد توسکا خدادادی، دختر جنگلیان شهید، از زبان جابر، سورینگل و پاکانه، در فضایی رؤیگون است. دختری که برای نجات طبیعت، تغییرات زیست‌محیطی و سُرخ‌دارها عمل‌گرایانه وارد میدان و وحی سرخ‌دارهای هوهوش‌کشان می‌شود تا نابخردان را از شر نفرین‌شان حفظ کند. اما غزل‌فویی، که ما را یاد مرغ ماهی‌خوار داستان «پس‌رگ و مرغ ماهی‌خوار» هالانو می‌رساند، می‌اندازد، از راه می‌رسد و کتانی سرخ توسکا را تحویل می‌دهد. هوشیاری نویسنده نسبت به پیچیدگی و تناقض، نسبت به جرخش بی‌پایان و برپار آگاهی بشر، اثری چندلایه و غیرقابل پیش‌بینی از داستان‌ها را خلق کرده است. رد غزل‌قوها و سُرخ‌دارها در تمام داستان‌ها وجود دارد و خبر از غیبت آدم‌ها، باورها یا خاطرات دور برنخ‌گفته می‌آورند. «چراغ خاموش» دغدغه‌های یک معلم ریاضی در روستای روشن‌آباد در دوران شیوع کرونا و عصر تاریک و پرچون زندگی نوادگان مطربان هند است، یا ارجاعات جغرافیایی و تاریخی، که گویی صنوبر-بی‌برگی سُرخ‌دارها در‌سرخ را تمام کرده و در چراغ خاموش خانم‌معلمی شده باشد. «هذا مقام خلد‌آشیان» کابوسی از جامعه‌ای به انحطاط کشیده و فرسوده از نشان می‌دهد که بی‌رحمی‌اش همچون وی تند خونا به حیوانی تازه سلاخی‌شده آزاردهنده است. آقاچان سفید‌چاه گویی شاهد تسبیح‌به‌دست است که دیگر تلاطم بادها موهای سفید کم‌پشتش را نمی‌رقصاند. ذبیح، کارمند بخش بایگانی اداره ثبت احوال و آقاچانش برای برگزاری آیین وداع راهی سفیدچاه می‌شوند. در فضایی که همه چیز به سفیدی شیر می‌زند، با زن‌هایی آشنا می‌شود که هریک حکایتی دارند. یکی‌شان بعد از نشان‌دادن نقاشی قربانی‌کردن پسر به دست پدر، می‌گوید رنگ مثل زندگی است و میان این‌همه رنگ هزاران خط پنهان. اسامی ظاهر می‌شوند. ظاهر یعنی مشهود و یکی از نودونه اسم خداست. ذهن ذبیح، مثل شکم گروستان، جابه‌جا طبله می‌کند و کابوس‌های عمیق‌تری می‌آفریند. هفت قدم بعد از سندرِم کلّاین لوپین یا سندرِم زیبای خفته، مرگ مرور برندگان تالایی میانکاله با مه خیال‌پیچی می‌کشد کلاف‌های کور زن هم‌زمان می‌شود. سرگردان میان بی‌قراری ذاتی حرکت، پارادوکس‌های زنون، حال‌گرایی و شهود بی‌واسطه. زن درمندی که یادآور زنان برطاقت و رنج‌کشیده داستان‌های کوتاه ایرلندی است. بهاره جحتی آثار متکی بر پژوهش و تاریخ را عاملی برای جلای ادبیات داستانی ایران می‌داند و تلاش به‌بارنشته‌اش در این مجموعه‌داستان به روح و جان مخاطب خوش می‌نشیند. در داستان‌های «نورگون» اگر تصویری وجود داشته باشد که خطوط داستانی مختلف را به هم پیوند دهد، آن مقاومت زنانه‌ای است که نمونه‌اش را اغلب از نویسنده‌های زن ایرلندی سراغ داریم. برخی از نویسندگان مجبور نیستند از خاستگاه جغرافیایی خود دور شوند. جحتی از آن دست نویسندگانی است که آثار بدیع زیادی از محیط پیرامون خود خلق می‌کند و همین توقع و شوق خواننده را برای خواندن آثار بعدی‌اش بالاتر می‌برد.

یکبار خدایتی نورگون

نورگوَن

بهاره جحتی

نشر نی

در حاشیه نمایش نامه‌ای از آریل دورفن

خاورمیانه و صنعت حقوق بشر



پیام حیدرقزوینی

وضعیت فعلی جهان نشانه‌ای است آشکار از این مسئله که با سلطه سرمایه‌داری و امپریالیسم تمام تلاش‌هایی که انسان در تاریخ مدرن برای به‌دست‌آوردن آزادی و برابری انجام داده است، به‌سادگی می‌تواند دود شود و به هوا برود. در ماه‌های اخیر هر شکلی از قساوت توسط اسرائیل با حمایت مستقیم دولت‌های غربی که خود را نماینده تمدن مدرن می‌نامند، صورت گرفته و هیچ سازوکاری برای محدودکردن جنایات اسرائیل در غزه و سایر نقاط خاورمیانه وجود ندارد. آنچه امروز پیش چشم مردم خاورمیانه رخ می‌دهد این پرسش را به طور جدی مطرح می‌کند که آیا می‌توان به سازوکارهای حقوقی دوران معاصر و ادعای دولت‌های غربی در راه ساختن جهانی بهتر امید داشت.

آریل دورفمن، از مهم‌ترین چهره‌های نسل بعد از شکوفایی ادبیات آمریکای اتیند، در برخی آثارش و از جمله در نمایش‌نامه «مرگ و دختر جوان» مفهومی به نام حقوق بشر را به چالش کشیده است. «مرگ و دختر جوان»، به‌روشنی نشان می‌دهد که فعالیت‌های حقوق بشری که از امر سیاسی تهی شده‌اند در چارچوب‌های ارزش‌تعیین‌شده باقی می‌مانند و بیش از آنکه به دنبال احیای حق بشر باشند به‌دنبال تثبیت وضع موجودند. پس از تجاوز اسرائیل به ایران نوع موضع‌گیری برندگان ایرانی صلح نوبل به‌روشنی نشان داد که حقوق بشر صنعتی است که در آن تنها روایت موجود روایت فاتحان است.

ایسن نمایش‌نامه دورفمن اگرچه به شیلی بعد از دوران پینوشه مربوط است، اما وضعیتی را توصیف می‌کند که می‌توان آن را به وضعیت سیاست‌دانی‌شده جهان معاصر تعمیم داد. ازاین‌روست که دورفمن در ابتدای متن نمایش‌نامه، زمان آن را زمان حاضر (اواخر قرن بیستم) و مکانش را کشوری می‌داند که می‌تواند شیلی باشد و چه‌بسا هر کشور دیگری که به‌تازگی از بند دیکتاتوری رها شده است. دورفمن در نمایش‌نامه‌اش نشان می‌دهد که بطور کلی یک دیکتاتوری با ازمیان‌رفتن دیکتاتور همچنان باقی می‌ماند و به حیانتش ادامه می‌دهد. نمایش‌نامه او همچنین نقدی ریشه‌ای به فعالیت‌های حقوق بشری که از امر سیاسی تهی شده‌اند نیز هست.

«مرگ و دختر جوان»، نمایش‌نامه‌ای کوتاه و سه‌پرده‌ای با سه شخصیت است. زنی حدوداً چهل‌ساله با نام پائولینا سالاس، شوهرش با نام ژراردو اسکوبار که وکیلی چهل‌چند ساله است و پزشکی حدوداً پنجاه‌ساله با نام روبرتو میراندا. زمان نمایش، به اندکی بعد از آزادی شیلی از دیکتاتوری پینوشه مربوط است. بااین‌حال هنوز وحشت بازگشت او با ظرافداریانش به قدرت وجود دارد و دولت جدید در پی گذاری آرام از وضعیت پیشین است. نمایش‌نامه با وحشت پائولینا آغاز می‌شود، وحشتی بازمانده از دوران پیشین.

او و شوهرش برای گذراندن تعطیلات به خانه‌ای بیلاقی در کنار دریا رفته‌اند و پائولینا که در خانه تنها است، وقتی صدای ماشینیی را از بیرون می‌شنود وحشت‌زده تفنگی را که در خانه‌شان هست برمی‌دارد و منتظر می‌ماند. بعد، صدای ژراردو را می‌شنود که با یک نفر حرف می‌زند و سپس شوهرش وارد خانه می‌شود. ماشین ژراردو در راه پنچر شده و غریبه‌ای کمکش کرده تا به خانه برسد. ساعتی بعد، بار هم صدای ماشینیی از بیرون خانه آنها می‌آید. این همان مردی است که به ژراردو کمک کرده بود و حالا آمده‌تا تا زاپاس ماشین ژراردو را به او پس دهد. این مرد، در راه بازگشت به خانه‌اش اسم ژراردو را در رادیو می‌شنود که به‌عنوان یکی از اعضای کمیته‌ای که توسط رئیس‌جمهور شکل گرفته انتخاب شده است. این کمیته مسئولیت بررسی جنایات دوره پینوشه را بر عهده دارد و قرار است درباره کشته‌شدگان آن دوران گزارش‌هایی تهیه کند. مرد غریبه، دکتر میراندا، به دعوت ژراردو به خانه او و پائولینا می‌آید و با اصرار ژراردو شب را نیز در آنجا می‌ماند. تا اینجا همه‌چیز عادی است اما فردا صبح، پائولینا پیش از بیدارشدن شوهرش، با تفک به سراغ دکتر میراندا می‌رود و او را روی صندلی می‌بندد و درواقع گروگانش می‌گیرد. پائولینا از زندانیان دوران پینوشه است و در مدت زندانش شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل کرده است. او ا شنیدن صدای دکتر میراندا، به یاد مردی می‌افتد که در زندان از او بازجویی می‌کرد و در آن مدت بارها به او تجاوز کرده بود.

اگرچه آن دوران به پایان رسیده و مدت‌ها از آزادی پائولینا می‌گذرد، اما همچنان وحشت دوران دیکتاتوری در او مانده و شکنجه‌های دوران زندان همچون ترومایی در او باقی مانده است. او هیچ‌گاه جزئیات کامل شکنجه‌هایش را حتی برای ژراردو بازگو نکرده اما عذاب روحی آن دوران همواره با او بوده است. حالا و در دوره بعد از کودتا، شوهرش که او نیز از مخالفان پینوشه بوده، به‌عنوان عضوی از کمیته حقیقت‌یاب رئیس‌جمهوری انتخاب شده است تا بخشی از جنایات حکومت پینوشه را عیان کند. اقدام پائولینا و گروگان‌گیری دکتر میراندا، می‌تواند موقعیت ژراردو را در کمیته حقیقت‌یاب به خطر بیندازد و حتی کلیت زندگی آنها را بحرانی کند. ژراردو حالا بخشی از دولت جدید است و به‌عنوان یک حقوق‌دان نقش یک فعال حقوق بشر را دارد و کمیته‌ای را که در آن عضو شده هم می‌توان شبیه به تمام کمیته‌های حقوق‌بشری دانست. پائولینا از همان ابتدا و پیش از ورود دکتر میراندا به خانه‌شان، در برابر کمیته تازه‌تشکیل‌شده موضع دارد. ژراردو مسئولیت این کمیته را بر سر می‌مورد نقض حقوق بشر می‌داند، مواردی که فقط به‌سر منجر شده باشند. درحالی‌که خود پائولینا به بدترین

شکلی شکنجه شده بی‌آنکه حرفی بزند و کسی را لو بدهد. بازجویان او در دوره زندان از جمله به‌دنبال بوده‌اند اما پائولینا همه فشارها را تحمل می‌کند و ردی از ژراردو به آنها نشان نمی‌دهد. اما حالا و بعد از تمام‌شدن دوران وحشت، ژراردو در کمیته‌ای عضو شده که نسبت به وضعیت پائولینا و آدم‌هایی دیگر شبیه به او کاملاً بی‌اعتناست. پائولینا از ژراردو می‌پرسد ک: «تو به حرف‌های خویشاوندان قربانیان گوش می‌کنی، جنایت‌ها را تقبیح می‌کنی، اما تکلیف جنایت‌کارها چه می‌شود؟». و ژراردو مسئولیت این کار را متوجه قضات می‌داند. قضاتی که به‌اعتقاد پائولینا در طول هفده سال دیکتاتوری حتی برای نجات جان یک نفر هم قدمی برنداشتند. قضاتی که با هم‌راه دیکتاتوری بوده‌اند یا در بهترین حالت در برابر وضعیت موجود سکوت کرده بودند و خود آنها را می‌توان مسئول بخشی از جنایات دوره پیشین دانست. اختلاف فکری پائولینا و ژراردو اما وقتی عمیق‌تر می‌شود که پائولینا بازجوی سابقش را در خانه‌شان حبس می‌کند و قصد دارد محاکمه‌ای خصوصی ترتیب دهد. درست در اینجاست که شکاف بزرگ میان ژراردو و پائولینا علنی می‌شود. ژراردو در مواجهه با اقدام همسرش، مدام به فکر موقعیت جدیدش است و نه‌تنها پائولینا را محکوم می‌کند بلکه او را دیوانه‌ای می‌داند که به‌خاطر شکنجه‌های پیشین عقلش را از دست داده و تنها به فکر گرفتن انتقام شخصی است. اما حتی دکتر میراندا نیز می‌داند که کمیته‌ای که ژراردو در آن عضو است نمی‌تواند وضعیت او را به خطر بیندازد و قرار نیست او به‌عنوان باز‌جوی سابق محاکمه شود.

میراندا قبل از اینکه پائولینا را ببیند و به گروگان گرفته شود به ژراردو می‌گوید: «خب، من هم داشتم دقیقاً همین را می‌گفتم که شما گفتید اسم‌ها افشا نمی‌شود، منتشر نمی‌شود، که گفتید… البته حق شاید با شما باشد. شاید ما آخر سر هم نفهمیم این که فقط مجازد در چارچوب و مرزهای آنها تشکیلاتی دارند شبیه یک جور… مافیاً. بله، یک انجمن سری. هیچ‌کس اسامی را فاش نمی‌کند و همه پشت هم را دارند. نیروهای مسلح به افرادشان اجازه نمی‌دهند در کمیته شما شهادت بدهند و اگر احضارشان کنید، احضاریه‌های‌تان را به هیچ می‌گیرند و برای‌تان تره هم خرد نمی‌کنند». در چنین شرایطی است که شکنجه‌گر و بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. او می‌داند که ژراردو و کمیته‌اش هیچ خطری برایش ندارند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرامش زندگی می‌کند و حتی به خانه ژراردو می‌رود و شب در آنجا می‌ماند. اما او بی‌خبر است که همسر این حقوق‌دان بی‌خطر، زندانی سابق اوست و پائولینا برخلاف شوهرش تغییرات رونمایی و سطحی را باور ندارد و در یک لحظه کمیته تصمیم بگیرد که خودش را بازجوی سابق در کمال آرام